



گفت و گو با فخرالدین صدیق شریف، درباره بازی در نقش دعبل خزاعی

به شوق دیدار «ولایت عشق»

مجموعه تلویزیونی «ولایت عشق» به کارگردانی مهدی فخرالدین صدیق شریف از آثار تاریخی فاخری است که سال ۱۳۷۹ از شبکه یک سیما پخش شد. این سریال به بخشی از تاریخ زندگی امام هشتم شیعیان امام رضا(ع)، هجرت از مدینه به مرو و نحوه شهادت ایشان می پردازد. بیش از ۲۰ سال از ساخت این مجموعه تلویزیونی پرمخاطب می گذرد، بازیگران زیادی در سریال ولایت عشق به ایفای نقش پرداخته اند و حضورشان در این سریال را به واسطه لطف و عنایت از جانب امام رضا(ع) می دانند. به بهانه پخش دوباره این سریال رفتیم سراغ فخرالدین صدیق شریف که در این سریال، نقش دعبل خزاعی را ایفا کرده است. دعبل یکی از شخصیت های تاریخی و از شعرا و شاعرانی است که کیلومترها برای زیارت امام رضا(ع) از بغداد به مرو می آید و در دربار مامون قصیده ای زیبا به ساحت امام رضا(ع) تقدیم می کند و خلعتی از امام رضا(ع) دریافت می کند. به بهانه پخش این سریال با صدیق شریف گفت و گو کردیم.

معصومه
شمسینی غیاثوند
خبرنگار

شخصیتی را بازی می کردم که با عشق کیلومترها راه را از بغداد تا مرو با پای پیاده سوی امام رضا(ع) آمد، وقتی هم شخصیت امام رضا(ع) را مشاهده کرد، دچار عشق و شوریدگی خاصی شد و با همان آشوب های درونی ای که داشت اشعاری در محضر امام سرود و آن را به ساحت ایشان تقدیم کرد.

«ولایت عشق تاکنون بارها در رسانه ملی پخش شده است. به نظر تان مردم باز هم آن را تماشا خواهند کرد؟

این سریال همیشه در نشان دادن مخاطب پای تلویزیون موفق بوده است. به نظر من امروزه جای تولید چنین سریال هایی خالی است.

«البته دو تیم مشغول کار روی دو سریال خوب هستند.

درست می گوید، اما به واسطه این که مردم این دست کارها را می پسندند، باید در فهرست برنامه هایی قرار بگیرند که همیشه برای تولیدشان برنامه ریزی می شود. نه این که تعداد تولیدات کم شود و مدام تکرار همین سریال های موفق پخش گردد. می دانم که بازپخش ها هم مورد توجه مخاطبان هستند اما حیف است ظرفیت این فیلم ها را نادیده گرفته و برایشان برنامه ریزی بیشتری و دقیق تری نداشته باشیم. وقتی می دانیم مردم این سبک از آثار را می پسندند و سریال های تاریخی مخاطبان زیادی دارد، باید توجه بیشتری به این دسته آثار نشان دهیم. من خودم شخصا به بازی در چنین آثاری علاقه مند اما چند سال است تمرکز روی ساخت این فیلم ها کم شد و من هم پیشنهادی نداشتم. امیدوارم دوباره سریال های تاریخی خوبی تهیه و پخش شود.

«و شما هم بازیگر این فیلم های خوب باشید.

ایفای نقش در سریال ماندگار ولایت عشق از افتخارات من است. امیدوارم بازیگران دیگر و البته خود بنده هم امکان تکرار این تجربه و افتخار نقش آفرینی در فیلم های خوب را داشته باشیم.

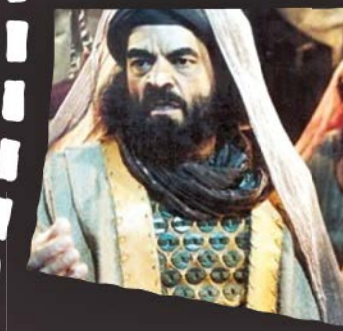
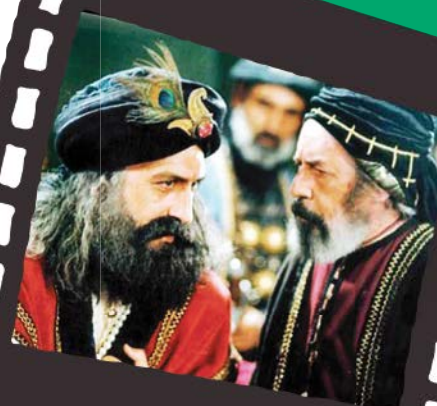


بازی در سریال ولایت عشق برایتان چه حس و حالی داشت؟

بازی در این سریال برایم اندازه همان خلعتی که دعبل از امام رضا(ع) می گیرد، شیرین بود. آن قدر که همیشه می گویم من هم از امام خلعت دریافت کرده ام. می توانم بگویم هرچند نقشم در سریال کوتاه بود اما شیرینی آن برای همیشه با من ماند. هم در فیلم نقش تاثیرگذار و جذابی برای مخاطبان بود و هم برای همیشه در گوشه ای از دل خودم ماندگار شد. از این رو می توانم بگویم سریال ولایت عشق در مقطع خودش بسیار تاثیرگذار و فاخر بود و بعد از گذشت دو دهه هنوز دوستش دارند. به نظر من این سریال یکی از کارهای ارزشمند صداوسیماست که همیشه بتواند به آن افتخار کرده و ببالد. همچنین جا دارد بگویم حضور کارگردان مطرح مهدی فخرالدین صدیق شریف به خود پیش رفتن روند فیلم کمک کرد. هیچ وقت یادم نمی رود چه دقت و وسواسی در این کار داشت و تلاش می کرد همه چیز خوب پیش برود و البته مهم تر از همه این که می دانیم خود امام رضا(ع) هم عنایت و نظری به کار داشتند که همه چیز خوب پیش رفت و هدایت شد و این اثر به یادماندنی به ثمر رسید.

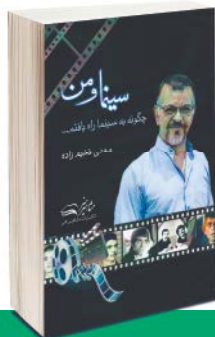
«گفتید نقش تان کوتاه بوده، جاذبه های بازی در آن برایتان چه بود؟

بله، من در این سریال نقش کوتاهی داشتم اما بسیار تاثیرگذار بود و برای همین پذیرفتم در این سریال حضور پیدا کنم، هم خودم و هم آقای فخرالدین صدیق شریف از شیوه بازی من در این نقش راضی بودند. جاذبه این نقش هم به نظر من مشخص است... در سریال ولایت عشق من نقش



همراهی باد و باران با «ولایت عشق»

می آمدن تهران و صبح سه شنبه همه سر صحنه حاضر بودن. چهار ماه و پانزده روز بی وقفه و به طور مرتب توی همون نقطه کار کردیم، ولی نه سیلی آمد و نه کولاکی شد و نه باد شهریار مزاحمتی فراهم کرد، حتی در تمام اون زمستان بارانی نیامد که بتونه یه روز کار ما رو تعطیل کنه. فقط معمولا عصر یکشنبه همچین که اتوبوس ها و وسایل نقلیه می آمدن و گروه آماده می شد که به طرف تهران حرکت کنه، ابرها ظاهر و یواش یواش بارون شروع می شد و تمام دوشنبه می بارید و صبح سه شنبه وقتی برمی گشتیم سر صحنه، هوا آفتابی بود و زمین خشک و آماده برای فیلمبرداری. خدا شاهده که نه قصد غلوگویی دارم و نه می خواهم مقدس نمایی کنم و کرامتی برای کارمان قائل بشم. این اتفاقی بود که تقریبا هر هفته تکرار شد. یعنی باران عصر یکشنبه و روز دوشنبه می بارید و صبح سه شنبه هوا آفتابی بود. این ماجرا آن قدر تکرار شد که کم کم صدای اعتراض تعدادی از بچه ها درآمد. خوب یادم هست که بعضی ها از کار بی وقفه خسته شده بودن، سرشان را به طرف آسمان می گرفتند و به خدا شکایت می بردن و می گفتن: مگر سه شنبه و چهارشنبه روز خدا نیست؟ چرا باید فقط دوشنبه ها باران ببارد؟



«سینما و من» نوشته مهدی فخرالدین صدیق شریف از پشت صحنه کارهای سینمایی اش است. او در این کتاب مفصل به «ولایت عشق» هم پرداخته است. او در بخشی از کتاب با ذکر خاطره ای از اوایل آبان سال ۷۹ و زمان ساخت این سریال، به انتخاب مکانی در اطراف رباط کریم برای برپا کردن بخشی از دکور اشاره کرده و می گوید: «همچنین که ساکنان اون دوروبر فهمیدن که ما می خواهیم اینجا دکور پیاده کنیم و چادر بزنیم و اردوگاه بسازیم به ما هشدار دادن که اینجا سیلاب گیره و در مسیر باد شهریار قرار گرفته و زمستون ها برف و کولاک بیداد می کنه. امکان نداره شما بتونین اینجا مستقر بشین و کار کنین. ولی هرچی من و خانم پرتو [تهیه کننده] فکر کردیم، دیدیم چاره ای نیست و غیر اینجا هیچ انتخابی نداریم. در نتیجه با ترس و لرز و نگرانی همون جا چادر زدیم و دکورها رو پیاده کردیم و فیلمبرداری شروع شد.

ما از اول سریال هفته ای شیش روز کار می کردیم و به جای جمعه ها، روزهای دوشنبه تعطیل بود که بچه ها بتونن به کارهای شخصی شون هم برسن و اگه کار اداری دارن سروسامون بدن. این روال همچنان ادامه داشت. یعنی عصر یکشنبه بچه ها